

## Modeling the Approach of the Right to the City in Urban Space (Case Study: Yazd City)

### Abstract

**Aims:** In recent years, urban crises occur with the demands of citizens and there is talk of "the right to the city". Today, due to social and political changes and developments, including the system of capitalist domination and the emergence of urban social movements, new interpretations of the right to the city have been made. Therefore, the aim of the current research is to modeling the approach of the right to the city in urban space (Case study: Yazd city).

**Methodology:** The research method is descriptive-analytical, and its type is applied. The information needed for the research has been collected in two documentary and field methods. The statistical population is 515,659 citizens of Yazd. The number of samples was estimated to be 325 based on Cochran's formula. SPSS software and t-test, structural modeling and Amos software were used for data analysis.

**Finding:** The results of the t-test showed that the status of the components of the right to the city (control and ownership, urban vitality and citizen participation) are in an unfavorable situation and below the normal level. The results of the Pearson correlation test indicated that there is a positive and significant relationship between all dimensions of the research variables. Finally, the results of the structural model indicated that the participation index is more effective than other components in realizing the right to the city approach.

**Conclusion:** The components of the right to the city (control and ownership, urban vitality and citizen participation) are in an unfavorable situation. Therefore, the possibility of equal use of the city's capacities for all residents should be given special attention.

**Keywords:** Modeling, Right to the city, Space, Yazd city.

### مدل‌سازی رویکرد حق به شهر در فضای شهری (مورد مطالعه: شهر یزد)

#### چکیده

**اهداف:** در سال‌های اخیر بحران‌های شهری با مطالبات شهروندی رخ می‌دهند و از «حق به شهر» سخن می‌رود. به علت تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله نظام سلطه سرمایه‌داری و ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری، تفسیرهای جدیدی از حق به شهر صورت گرفته است. لذا هدف پژوهش حاضر مدل‌سازی رویکرد حق به شهر در فضای شهری (مورد مطالعه: شهر یزد)، است.

**روش‌شناسی:** این تحقیق توصیفی تحلیلی در سال ۱۴۰۳ در شهر یزد به انجام رسید. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به دو شیوه اسنادی و میدانی گردآوری شده است. جامعه آماری، شهروندان شهر یزد به تعداد ۵۱۵۶۵۹ نفر است. تعداد نمونه، بر اساس فرمول کوکران ۳۲۵ نمونه برآورد شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، مدل‌سازی ساختاری و نرم‌افزار آموس، استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون تی نشان داد که وضعیت مؤلفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در وضعیت نامطلوب و پایین‌تر از سطح نرمال قرار دارند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بیانگر این بود که بین تمام ابعاد پژوهش، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نهایت نتایج مدل ساختاری بیانگر این بود که شاخص مشارکت دارای اثرگذاری بیشتر نسبت به سایر مؤلفه‌ها در تحقق رویکرد حق به شهر می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** مؤلفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در وضعیت نامطلوب قرار دارد. لذا امکان استفاده برابر از ظرفیت‌های شهر برای همه ساکنان باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

**کلیدواژگان:** مدل‌سازی، حق به شهر، فضا، شهر یزد.

محیط شهری به عنوان فضای زندگی روزمره شهروندان در وهله اول باید بتواند آسایش و رفاه تمام اقشار جامعه را فراهم نماید [Salami & Mazhari, 2022: 118]. چگونگی توزیع عادلانه فضای شهر به گونه‌ای که علاوه بر محفوظ قرار دادن حقوق مالکان خصوصی، حقوق مردم شهر را نیز مورد احترام قرار دهد، یکی از اساسی‌ترین مسائل در حوزه حقوق شهری است [Arami, 2021: 1]. امروزه، به واسطه ریشه دوانیدن سیاست‌های نولیبرالی در شهرها، قریب به اتفاق شهرها با مکانیسم‌های نظام سرمایه‌داری آمیخته شده‌اند و موجب شده است تا فضاهای شهری به صورت تنگاتنگ تحت نیروهای سیاسی و اقتصادی بازتولید شوند که محملی برای تسهیل روابط سرمایه‌داری باشد. لذا، تولید فضا پدیده‌ای است در راستای تحکیم روابط انباشت، گردش، سود به عنوان مولفه‌های اصلی سرمایه‌داری. از طرفی برای اعمال موارد مذکور در فضای شهر، نیاز به قدرت و هژمونی است که قدرت نیز جریان تولید فضا را به نفع سرمایه و سرمایه‌دار، طبقات مرفه جامعه شکل می‌دهد [Safari, 2024]. امکان استفاده برابر از بهره‌ها و ظرفیت‌های شهر برای همه ساکنان آن موضوعی است که به مطالبه‌ای مهم تبدیل شده و علت اصلی آن نیز مشکلات و معضلات انسانی و محیطی بی‌شماری است که برای شهرها به وجود آمده است. یکی از الزامات برای حل این معضلات به رسمیت شناختن شهروندی محلی و حق به شهر است [Habibnezhad & Khosravi, 2022]. یکی از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی انسان، نیاز به عدالت در فضای شهری است. نظریه حق به شهر به عنوان یکی از اساسی‌ترین نظریات اجتماعی عدالت‌محور در سده بیستم است که محور پایه‌ای آن، انسان و نیازهای اجتماعی اوست [Gholami et al., 2024]. لوفور حق شهری را حق به زندگی شهری می‌داند که امروزه اسیر دولت و سرمایه شده است [Samadi et al., 2023]. لوفور معتقد بود فضاهای شهری پیش از دوران صنعتی شدن، بسیار مطلوب‌تر از فضاهای شهری حال حاضر است؛ چرا که ارزش استفاده بر ارزش مبادله در دوران پیش از صنعتی شدن برتری داشته است [Kazemi & Tofangchi mahyari, 2017]. حق به شهر ابزار مفهومی مناسبی را برای نقد وضع موجود شهرها فراهم می‌آورد [Habibi & Amiri, 2015]. در رویکردهای نولیبرال در فضای شهری، اعتقاد عمومی بر این است که راه‌حلی به جز بازار آزاد وجود ندارد و بازار تعیین‌کننده سهم طبقات اجتماعی است، ولی نظریه‌پردازان حامی رویکرد حق به شهر معتقدند که راه‌حل دیگری در برابر سرمایه‌داری به عنوان حق به شهر وجود دارد [Sugranyes & Mathivet, 2010].

در خصوص موضوع پژوهش (حق به شهر)، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است که عبارت‌اند از: [Lopez Cifuentes & Sonnino, 2024] در مقاله‌ای با عنوان "دموکراسی غذا و حق به شهر: جمع‌آوری مجدد غذای محیط شهری در شرق مرکزی لندن" را بررسی کردند. یافته‌های تحقیق، پیچیدگی شیوه‌های مونتاژ را برجسته می‌کند، که در حال شکل دادن به نسخه‌ای جزئی و ظریف از دموکراسی شهری (غذایی) هستند، کنترل را از ساختارهای سرمایه‌داری دور می‌کنند. [Gholami et al., 2024] در مقاله‌ای با موضوع؛ واکاوی فضاهای مطلوب شهری و نقش آن بر تحقق نظریه حق به شهر در کلانشهر اهواز؛ نتیجه گرفتند که بین شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری و میزان تحقق حق به شهر در شهر اهواز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در بین شاخص‌های مطلوبیت فضای شهری، شاخص آسایش و راحتی بیشترین ضریب تاثیر را در میان سایر شاخص‌ها داشته و در بین شاخص‌های حق به شهر، شاخص سهم فیزیکی شاخص کنترل و مالکیت بیشترین ضریب تاثیر را دارند. [Rashdi et al., 2024] در مقاله‌ای با موضوع؛ بررسی جایگاه حقوقی حق به شهر در مصوبه‌های شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با تاکید بر روش‌شناسی طرح‌های توسعه شهری، نتیجه می‌گیرند که در مجموع و در میان کلیه منابع مورد بررسی، بیشترین درصد فراوانی و تاکید موضوعی، بر محورهای نقد رویکرد (۳۱ درصد)، نقد فرایند (۲۷ درصد)، تحقق‌پذیری (۱۴ درصد) و نقد ابزارها و روش‌های طرح‌های توسعه شهری (۱۰ درصد) پی‌ریزی شده که نشان‌دهنده تاکید اصلی اساتید و حرفه‌مندان این رشته بر این حوزه‌ها است. [Marsousi et al., 2023] در مقاله‌ای با موضوع؛ تحلیل مولفه‌های شهر عادل و رابطه آن با حق به شهر در کلانشهر تهران نتیجه می‌گیرند که اختلاف معنادار منفی بین میانگین مولفه‌های شهر عادل و حق به شهر و مقدار متوسط (۳) وجود دارد و این مولفه‌ها از وضعیت مطلوبی در کلانشهر تهران برخوردار نیستند. [Samadi et al., 2023] در مقاله‌ای با موضوع؛ بازنمایشی در مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با شهرسازی عدالت محور مورد پژوهی؛ تحلیل تطبیقی محلات هفت آسیاب و شیشه‌گرخانه شهر ارومیه، نتیجه می‌گیرند که زیرشاخص‌های دسترسی به خدمات عمومی و دموکراسی به ترتیب بیشترین و کمترین سطح اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. [Tamjidi et al., 2022] در مقاله‌ای با موضوع؛ تحلیل مولفه‌های ارتقاء کیفیت فضاهای شهری برای کودکان با رویکرد حق به شهر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)، نتیجه می‌گیرند که میانگین ابعاد شروع زندگی، حفاظت در برابر خطر، استاندارد زندگی، کالبدی و فرهنگی در منطقه ۱۲ پایین تر از حد متوسط (۳) می‌باشند. بنابراین، این

منطقه در وضعیت مناسبی قرار ندارد. [Mullick & Patnaik, 2022] پژوهشی با عنوان "مدیریت پاندمیک، شهروندان و شهرهای هوشمند هند: بازتابی از حق به شهر هوشمند و شکاف دیجیتال" را انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که «شهروندان چطور» با انتقال دسترسی رسمی خود به فناوری اطلاعات و ارتباطات، به دسترسی مؤثر به عنوان یک راه‌حل عمل می‌کنند و جوامع حاشیه را قادر می‌سازند تا شکاف را پر کنند. [Javaheripour, 2015] در مقاله‌ای با موضوع؛ محله‌های فرودست شهری و حق به شهر مورد پژوهی محله خاک سفید شهر تهران، نتیجه می‌گیرند که ساخت‌یابی این محله‌ها ناشی از آنها کیفیت نازل واحدهای مسکونی از یک سو و کمبود یا نامطلوب بودن سطح خدمات شهری موجود است و از سوی دیگر، وضعیت مبهم حقوقی مالکیت زمین و واحدهای مسکونی که گاهی متأثر از تصرف عدوانی است و مانع از سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی در این محله‌ها و در نتیجه بهسازی کالبدی ساختمان‌ها نیز با مشکل مواجه می‌شود.

جمع‌بندی تحقیقات گذشته نشان داد که مطالعات یادشده اکثراً در سطح کلان و در ارتباط با وضع موجود بوده است. در این راستا، در حوزه محدوده مورد مطالعه نیز پژوهشی صورت نگرفته است.

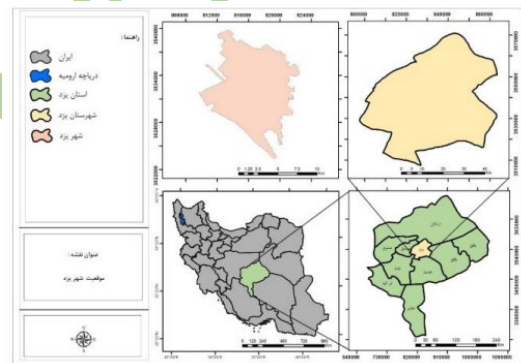
در سال‌های اخیر همزمان با از دست رفتن کارایی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر، بحران‌های شهری با مطالبات شهروندی رخ می‌دهند و از «حق به شهر» سخن می‌رود [Sultan Maleki et al., 2024]. حق به شهر عنوان کتابی از هنری له‌فور نظریه‌پرداز شهری است که در پی بحران‌های شهری سال ۱۹۶۸ فرانسه به دنبال طرح مطالبه اجتماعی در برابر نابرابری‌های شهری نوشته شده است. حق به شهر شامل دو حق اساسی برای ساکنان شهری است؛ حق مشارکت و حق تخصیص و تملک. در حق مشارکت شهروندان باید در هر تصمیمی که به تولید فضای شهری می‌انجامد، نقش محوری داشته باشند. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضای مناسب برای خود ممکن می‌شود. از حق به شهر تعریف دقیقی ارائه نشده اما در ماده اول منشور اروپایی حفاظت حقوق بشر در شهر تعریف کلی این مفهوم چنین ارائه شده است: شهر فضای جمعی است که متعلق به همه کسانی است که در آن زندگی می‌کنند، ساکنانی که حق دارند تا آنجا امور سیاسی، اجتماعی و اکولوژیکی خود را محقق سازند و همزمان دارای تکالیف نسبت به همدیگر نیز هستند. از دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم، بیانگر جلوه‌ای از مجموعه ویژگی‌های متناقضی هستند. این شهرها در مقایسه با دیگر مناطق یک کشور از امکانات بیشتری برخوردارند و بخش اعظم منابع ثروت و قدرت را در خود جمع کرده‌اند. در عین حال، انواع فقر، نابسامانی و ناهنجاری را نیز در خود می‌پروراند [Hosseini et al., 2022]. امروزه، مفهوم حق به شهر که توسط لوفور مطرح گردید توجه روزافزونی را در حوزه برنامه‌ریزی شهری به خود جلب کرده است [Wang et al, 2022]. نظریه-پردازان متعددی از سطح جهان در این حوزه اظهارنظر کرده‌اند که می‌توان به دون میشل، هربرت مارکوزه، آنالی کریستیانس، مارک پورسل و دیوید هاروی اشاره نمود. پس هدف نهایی از تئوری شهری انتقادی نیز، به اجرا درآوردن مطالبه حق به شهر است [Brenner et al, 2012]. همچنین، منشور جهانی حق به شهر (WCRC) با تأثیر از اندیشه‌های لوفور و به دنبال برگزاری گردهمایی اجتماعی آمریکا در شهر کیوتو و گردهمایی جهانی شهری در شهر بارسلونا در سال ۲۰۰۴ منتشر شد [Rahimi, 2021]. منظور از حق، آن دسته حقوقی نیست که به «مناسک و توصیه‌هایی تبدیل شده‌اند که توسط قانون‌گذاران پیگیری می‌شوند»، بلکه حق طردشدگان و گروه‌های خاص اجتماعی است. لوفور بی‌توجهی به حق به شهر را در تولید فضا (۱۹۹۱-۱۹۷۳) گستراند [Gholipour et al, 2017]. پورسل به وسیله تقسیم حق به شهر به دو حوزه مهم، نقش مهمی در ارتقای آن داشته است: حق تخصیص و حق مشارکت. حق مشارکت بر این نکته تأکید دارد که شهروندان باید نقش مهمی در تمام تصمیماتی داشته باشند که در آفرینش و تحولات فضای آنها تأثیر می‌گذارد [Tamjidi et al., 2022]. لوفور با مطرح ساختن کالایی شدن فضا در شهر، آسیب‌های زندگی شهری را برآمده از نظامات حاکم بر آن می‌داند؛ از این‌رو، وی با هدف پیگیری عدالت، دموکراسی و حقوق برابر شهروندی، به معرفی «حق به شهر» پرداخت. هاروی (۲۰۰۳)، در راستای دیدگاه لوفور، چهار حق فضایی برای ساکنان شهر قائل است: ۱- حق مشارکت منصفانه در فرآیند تولید فضاهای شهری؛ ۲- حق برخورداری از مزایایی که شهر فراهم می‌کند؛ ۳- حق اجتناب از افتراق فضایی ۴- و حق دسترسی به خدمات عمومی پایه [Faraji et al., 2023: 118]. او شهر را تجلی جغرافیایی و اجتماعی تمرکز تولید افزوده می‌داند. «شهری شدن همیشه سامانی طبقاتی داشته که محصول زهکشی ارزش از جایی یا کسی به جای دیگر و دستان افراد محدودی است». از این نظر، اهمیت قطبی شدن فضای شهری به نفع عده‌ای محدود آشکار می‌شود و حق بر شهر تحلیل همین فرآیند و مقابله با آن است [Farhadi et al., 2023: 50]. حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد؛ چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه [Purcel, 2022]. طبق استدلال سوچا در یک شهر حق مدنی برای همه محفوظ است و آزادی، اختیار، دموکراسی برای همه مورد احترام است. از منظر سوچا جستجوی عدالت فضایی به معنای تلاش جمعی برای

بازپسگیری حقوق تمام کسانی است که در اثر بی‌عدالتی و نابرابری متحمل رنج شده‌اند [Marsousi et al., 2023]. امروزه، به علت تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله نظام سلطه سرمایه‌داری و ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری، تفسیرهای جدیدی از حق به شهر صورت گرفته است [Meriläinen et al, 2020].

تحقیق حاضر بر روی شهر یزد صورت گرفته است. ورود مدرنیته به ایران، ساختار فضایی شهرهای ایران از جمله شهر یزد را دستخوش تغییر کرد. شهر یزد در سال‌های اخیر رشد شتابان و لجام گسیخته‌ای داشته عوامل مختلفی مانند مهاجرت گسترده روستا به شهر در دهه ۴۰ تاکنون و ... در گسترش فیزیکی شهر یزد نقش داشتند. جمعیت ۶۳۵۰۲ نفر یزد در سال ۱۳۳۵ به ۵۱۵۶۵۹ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است و به علت داشتن رشد طبیعی جمعیت، مهاجرپذیری، گسترش خدمات، داشتن هویت سیاسی و اداری به این شهر به‌عنوان مرکز استان، واگذاری زمین توسط ارگان‌های مختلف دولتی در شهر، برنامه‌های عمرانی کشور، تغییرات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی کشور و در نهایت محیط طبیعی مساعد تحولات جمعیتی و کالبدی زیادی به خود دیده است. در شهر یزد برخی مناطق شهر در محاصره سرمایه است. نامکان‌ها شهر را درنورده‌اند و فضاهای عمومی را تقلیل داده و محلات حاشیه‌نشین در جای‌جای آن رشد کرده است. از این‌رو، شکاف و نابرابری فضایی به شدت نمایان شده است و قطب‌بندی جامعه روز به روز بیشتر می‌شود. با وجود چنین مسائلی، ضرورت توجه به مفهوم حق به شهر در شهر یزد احساس می‌شود. لذا پژوهش حاضر با هدف مدل‌سازی رویکرد حق به شهر در فضای شهری یزد، انجام شد.

## روش‌شناسی

این پژوهش کاربردی با رویکردی کمی در سال ۱۴۰۳ در شهر یزد صورت گرفته شد. (شکل ۱).



شکل ۱) نقشه موقعیت مورد مطالعه

این پژوهش از نظر هدف توصیفی و از نظر نتایج کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به دو شیوه اسنادی و میدانی (پرسشنامه) گردآوری شده است. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که با مطالعات از مقالات مرتبط با پژوهش و منطبق با منطقه مورد مطالعه، شاخص‌ها در قالب سئوالات تدوین و در قالب پرسشنامه منعکس شد. ابعاد در شاخص‌های (اختصاص‌دهی شهر به خود (سهام فیزیکی، کنترل و مالکیت)، سرزندگی فضای شهری (تفریح، امنیت، ارتباطات شهری)، مشارکت (سازماندهی شهری، تصمیم‌گیری)) طبقه‌بندی شد که هر یک دربرگیرنده گویه‌های متعددی می‌باشند. همچنین قابل ذکر است روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان تایید شد و به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از آماره آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار (۰/۷۶) به دست آمد. نتایج آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ها نشان‌دهنده پایایی قابل قبول است. جامعه آماری تحقیق، شهروندان شهر یزد به تعداد ۵۱۵۶۵۹ نفر است. تعداد نمونه، بر اساس فرمول کوکران ۳۲۵ نمونه برآورد شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های تی تک نمونه‌ای، مدل‌سازی ساختاری و نرم‌افزار آموس (AMOS)، استفاده شد.

## جدول ۱) ابعاد و شاخص‌های مورد بررسی

حقوق شهروندان

مقابله با ضایع شدن حقوق شهروندان

توزیع عادلانه امکانات را به مناطق توسط مسئولان			
میزان و نوع خدمت کارمندان ادارات به ارباب رجوع در مناطق مختلف			حق به شهر
رضایت از عملکرد مدیران			
تاثیر رسانه‌ها جمعی بر از مسئولان شهری			
میزان مشارکت در انتخابات شهری جهت تغییرات در مدیریت شهری			
میزان احساس امنیت از سوی دوربین‌های کنترل و نظارت شهر			
محدودیت رفت و آمد با دوستان و همکاران در مناطق مختلف شهری			
طراحی فضاهای فرهنگی و تفریحی با توجه به سن	سهم		اختصاص‌دهی شهر به خود
طراحی فضاهای عمومی منطقه برای گروه‌های مختلف جنسی	فیزیکی		
راحتی استفاده از فضاهای			
تاثیر ساخت و سازها و تغییراتی کالبدی منطقه بر افراد	کنترل و مالکیت		
مالکیت یا اجاره مسکن و تاثیر آن			
کنترلی بر ساخت و سازها و تصمیمات مربوط به فضای شهری			
توزیع عادلانه فضاهای تفریح و سرگرمی در این منطقه			سرزندگی فضای شهری
میزان شادی بخش و مفرح بودن منطقه			
میزان دسترسی تفریحات شهری برای گروه‌های سنی	تفریح		
میزان دسترسی تفریحات شهری برای گروه‌های جنسی			
میزان امنیت پارک‌ها و فضاهای عمومی			
میزان احساس امنیت (اعتماد) در سطح خیابان‌ها و کوچه‌های منطقه			
احساس امنیت جسمی (ضرب و شتم، آسیب بدنی و غیره) در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری	امنیت		
احساس امنیت روانی (ترس، دلهره، وحشت و غیره) در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری			
احساس امنیت مالی (کلاهبرداری، سرقت مالی و ...) در فضاهای عمومی، تفریحی و تجاری			
میزان احساس ترس در ساعات مختلف روز در سطح منطقه			
میزان راحتی در دسترسی به فضاهای بیرون از خانه	ارتباطات شهری		
میزان دسترسی به امکانات در مسافرت‌های درون شهری			
میزان کیفیت حمل و نقل عمومی در منطقه			
میزان دسترسی به وسایل نقلیه شهری			
طراحی مناسب سواره‌ها و پیاده‌ها	سازماندهی شهری		مشارکت
طراحی فضاهای عمومی شهر با توجه به نیاز شهروندان			
دخالت مردم در طراحی فضای زندگی‌شان			
رسیدگی مسئولان به خیابان‌ها و از پیاده‌روها			
میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری	تصمیم‌گیری		
میزان تصمیم‌گیری‌های عمومی شهری با مشارکت شهروندان			
حضور نمایندگانی از اقشار مختلف شهروندان در تصمیم‌گیرهای شهری			

[Lopez Cifuentes and Sonnino, 2024, Gholami *et al.*, 2024, Marsousi *et al.*, 2023, Samadi *et al.*, 2023, ]

[Habibi & Amiri, 2015

## یافته‌ها

### بررسی وضعیت حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) در شهر یزد

نتایج آزمون T تک نمونه‌ای وضعیت مؤلفه‌های حق به شهر در نمونه مورد مطالعه در جداول ۲ و ۳ بیان شد. نتایج آزمون در سطح متوسط یا نرمال بیانگر وضعیت نامطلوب و پایین‌تر از سطح نرمال مؤلفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی) بود. میزان آماره t برای بعد کنترل و مالکیت برابر ۷/۱۵، برای بعد سرزندگی فضای شهری برابر ۷- و برای بعد مشارکت برابر ۶/۶۷- در سطح معناداری ۰/۰۱  $p <$  به دست آمد که منفی بودن آماره t در این زمینه بیانگر این است که میانگین شاخص‌های ذکر شده پایین‌تر از سطح میانگین متوسط یا نرمال قرار دارد. بنابراین با توجه به نتایج، وضعیت ابعاد حق به شهر در شهر یزد در وضعیت نامطلوبی قرار داشت.

جدول ۲) آماره‌های توصیفی در خصوص ابعاد و مؤلفه‌های حق به شهر در شهر یزد

ردیف	ابعاد	شاخص	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۱	حق به شهر	حق به شهر	-۲/۵۶	-۱/۱۲	۰/۰۶
۲	اختصاص دهی شهر به خود	سهم فیزیکی	-۲/۶۲	-۱/۲۴	۰/۰۷
۳		کنترل و مالکیت	-۲/۴۸	-۱/۳۱	۰/۰۷
۵		تفریح	-۲/۵۹	-۱/۲۷	۰/۰۷
۶	سرزندگی فضای شهری	امنیت	-۲/۴۹	-۱/۲۸	۰/۰۷
۷		ارتباطات شهری	-۲/۴۷	-۱/۲۸	۰/۰۷
۹	مشارکت	سازماندهی شهری	-۲/۵۰	-۱/۲۲	۰/۰۷
۱۰		تصمیم‌گیری	-۲/۵۸	-۱/۳۲	۰/۰۷

جدول ۳) بررسی وضعیت ابعاد و مؤلفه‌های حق به شهر در شهر یزد

ف	=۳ سطح آزمون					ابعاد	شاخص	اختلاف میانگین	آماره t	-p معناداری	فاصله		وضعیت
	اطمینان	سطح ۹۵%	کران پایین	کران بالا	نامطلوب								
۱	حق به شهر	حق به شهر	-۰/۴۴	-۷/۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۶	-۰/۳۲	نامطلوب					
۲	اختصاص دهی شهر به خود	سهم فیزیکی	-۰/۳۸	-۵/۵۲	۰/۰۰۰	-۰/۵۲	-۰/۲۴	نامطلوب					
۳	کنترل و مالکیت	کنترل و مالکیت	-۰/۵۲	-۷/۱۵	۰/۰۰۰	-۰/۶۶	-۰/۳۸	نامطلوب					
۵	تفریح	تفریح	-۰/۴۱	-۵/۸۹	۰/۰۰۰	-۰/۵۵	-۰/۲۸	نامطلوب					
۶	سرزندگی فضای شهری	امنیت	-۰/۵۱	-۷/۱۳	۰/۰۰۰	-۰/۶۵	-۰/۳۷	نامطلوب					
۷	ارتباطات شهری	ارتباطات شهری	-۰/۵۳	-۷/۵۰	۰/۰۰۰	-۰/۶۷	-۰/۳۹	نامطلوب					
۹	مشارکت	سازماندهی شهری	-۰/۵۰	-۷/۳۴	۰/۰۰۰	-۰/۶۳	-۰/۳۶	نامطلوب					
۱۰	تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری	-۰/۴۲	-۵/۷۱	۰/۰۰۰	-۰/۵۶	-۰/۲۷	نامطلوب					

### بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های حق به شهر در تحقق رویکرد حق به شهر در شهر یزد

در این مبحث به بررسی میزان تأثیر مؤلفه‌های حق به شهر در تحقق رویکرد حق به شهر در شهر یزد و ارائه مدل نهایی با استفاده از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS پرداخته شد.

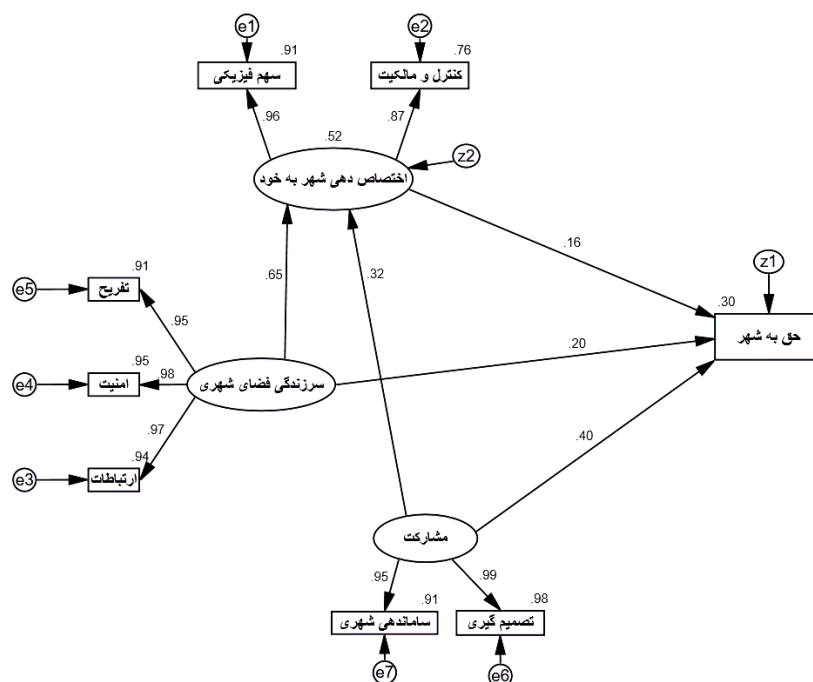
برای تعیین اینکه کدامیک از شاخص‌های برانزدهی برآورد بهتری از مدل فراهم کند، توافق عمومی و کلی میان متخصصین معادلات ساختاری وجود ندارد؛ از این رو پیشنهاد شد ترکیبی از ۵ شاخص گزارش شود. در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی

نیکویی - برازش مدل از شاخص‌های مطلق (برازندگی مدل) کای اسکوئر، درجه آزادی، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی و شاخص‌های نسبی ریشه خطای میانگین مجزورات برآورد، شاخص نیکویی برازش و شاخص ایجاز استفاده شد. با توجه به تعداد نمونه مورد مطالعه می‌توان بیان کرد که همه شاخص‌های برازش مدل در محدوده قابل قبول قرار داشته و دارای برازش خوبی بود و شاخص RMSEA، که مهمترین شاخص در این زمینه هست برابر ۰/۰۴۸ به دست آمد که در محدوده (۰/۰۴۵ ≤ ۰/۰۴۸ ≤ ۰/۰۵۱) کمترین و بیشترین فاصله اطمینان برای معناداری مدل، قرار داشت که بیانگر این است که مدل مذکور در سطح مطلوب قرار دارد. در جدول ۵ شاخص‌های نهایی به دست آمده در مدل نهایی پژوهش بیان شده است. در این خصوص برای رسیدن به برازش مطلوب، از استراتژی‌های پیرایشی استفاده شد. یعنی مسیرهای اثرگذار پیشنهادی براساس ماتریس کوواریانسی ترسیم شد (جدول ۴).

جدول ۴) شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش

نوع شاخص	معیار برازش مدل	محدوده قابل قبول	مقدار به دست آمده
	کای اسکوئر		۶۳۴/۲۱
شاخص‌های مطلق (برازندگی مدل)	درجه آزادی		۲۵
	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی	بین ۱ تا ۳	۲/۰۸
	ریشه خطای میانگین مجزورات	> ۰/۱	۰/۰۴۸
شاخص‌های نسبی	شاخص نیکویی برازش	≤ ۰/۹۰	۰/۹۰۸
	شاخص ایجاز	≤ ۰/۹۰	۰/۹۶۵

شکل (۲)، مدل نهایی پژوهش در معادلات ساختاری را نمایش داد. مدل مذکور در راستای شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر تحقق رویکرد حق به شهر است که به بررسی و سنجش میزان اثر مؤلفه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مسیر (روش بوت استرپ) پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده مشخص شد که مؤلفه مشارکت دارای بیشترین نقش و اثر معنادار به صورت مستقیم بر تحقق رویکرد حق به شهر بود. در این خصوص میزان اثر مستقیم یا ضریب استاندارد شده مؤلفه مذکور برابر ۰/۴ در سطح اطمینان یا معناداری  $p \leq ۰/۰۱$  به دست آمد. در این خصوص گویه‌های شاخص تصمیم‌گیری دارای اثرگذاری بیشتر بود که می‌توان به مفاهیمی هم‌چون میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های شهری، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی شهر و وجود نمایندگان از اقشار گوناگون در تصمیم‌گیری‌ها اشاره نمود که دارای نقش فزاینده‌ای بر تحقق رویکرد حق به شهر در شهر یزد است. دومین مؤلفه اثرگذار در این زمینه از نظر اثر مستقیم، مؤلفه سرزندگی فضای شهری بود. در این رابطه میزان اثر استاندارد شده برابر ۰/۲ در سطح اطمینان یا معناداری  $p \leq ۰/۰۱$  به دست آمد که مهم‌ترین نماگرها در این زمینه به ترتیب امنیت، ارتباطات و تفریح بود. سومین شاخص اثرگذار در ارتباط با تحقق رویکرد حق به شهر، مؤلفه اختصاص‌دهی شهر به خود بود. در این رابطه میزان بار عاملی یا ضریب رگرسیونی استاندارد شده برابر ۰/۱۶ در سطح اطمینان یا معناداری  $p \leq ۰/۰۵$  به دست آمد که از مهم‌ترین نماگرها در این زمینه به ترتیب اولویت، می‌توان به سهم فیزیکی و کنترل و مالکیت اشاره کرد.



شکل ۲) مدل نهایی مؤلفه‌های اثرگذار بر تحقق حق به شهر در شهر یزد

نتایج به دست آمده از مدل ساختاری و سطح‌بندی میزان اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل مؤلفه‌های پژوهش در تحقق رویکرد حق به شهر، نشان داد. در این خصوص، اثرات کل به دست آمده کمتر از ۳٪ و معنادار در سطح ضعیف، بالاتر از ۳٪ در سطح قابل قبول، بالاتر از ۴٪ در سطح متوسط، بیشتر از ۵٪ در سطح خیلی قوی قرار داشت. با توجه به این تفاسیر و نتایج به دست آمده می‌توان گفت که شاخص مشارکت دارای اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها در تحقق رویکرد حق به شهر است. پس از آن، مؤلفه سازندگی فضای شهری رتبه بعد را به خود اختصاص داد.

## بحث

پژوهش حاضر با هدف مدل‌سازی رویکرد «حق به شهر» در فضای شهری یزد انجام شد. در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با تحلیل رفتن کارایی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر، بحران‌های مختلف شهری ظهور کرده‌اند و مطالبات شهروندان نیز افزایش یافته است، که یکی از اساسی‌ترین این مطالبات، تحقق مفهوم «حق به شهر» است. این مفهوم، چارچوبی مفهومی و ابزاری مناسب برای نقد وضع موجود شهرها فراهم آورد و شهر را نه تنها از دیدگاهی انتقادی، بلکه از چشم‌انداز آینده‌نگرانه‌ای بررسی کرد.

در این پژوهش، خاستگاه فلسفی این مفهوم از دیدگاه واضع آن، هانری لوفبور، تحلیل و بررسی شده است. لوفبور معتقد است که در جوامع سرمایه‌داری معاصر، انباشت سرمایه نه تنها از طریق تولید صنعتی بلکه از طریق فرایند شهری شدن صورت می‌گیرد. او اینگونه مطرح می‌کند که کنترل و نظارت بر شهر از دست شهروندان خارج شده و منافع شهری شدن سرمایه حاصل شود، در نهایت به نفع سرمایه‌داران دولتی یا خصوصی مصادره گردید. این امر موجب شد که فضای شهری به جای اینکه به محلی برای زندگی و تعاملات انسانی تبدیل شود، به ابزاری برای انباشت سرمایه بدل شود. در این بستر، حق به شهر به عنوان یک حق اجتماعی و مدنی در صدد بازپس‌گیری کنترل، نظارت، و بهره‌گیری از منافع شهری شدن است که به جای سرمایه‌داران، به شهروندان بازگردانده شود.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های حق به شهر (شامل کنترل و مالکیت، سازندگی شهری، و مشارکت شهروندی) در وضعیت نامطلوبی قرار داشت. بر اساس نتایج به دست آمده، شاخص مشارکت دارای اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها در تحقق رویکرد حق به شهر است. پس از آن، مؤلفه سازندگی فضای شهری، رتبه بعد را به خود اختصاص داد. یکی از مهم‌ترین



بخش‌های حق به شهر، مشارکت شهروندان است که در یزد تنها با حق دسترسی به مسکن و فضاهای عمومی شهری محقق شد. این حق، مستلزم نقش فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌هایی است که به خلق یا تغییر فضای شهری می‌انجامد. از طریق این حق است که شهروندان، که تصمیمات شهری بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی آنها دارد، باید نقش کلیدی در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری ایفا کنند. از این رو، حضور نمایندگانی از اقشار مختلف شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری در سطوح مختلف باید مورد توجه قرار گیرد. تأکید بر مشارکت شهروندی با یافته‌های سایر پژوهش‌ها نیز هماهنگی دارد؛ پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که مشارکت مؤثر شهروندان نه تنها بهبود حاکمیت شهری، بلکه نتایج بهتری در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری به دنبال دارد. مشارکت فعال، حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری را در میان ساکنان تقویت و در نهایت به تحقق اهداف بلندمدت شهری و بهبود کیفیت زندگی شهری منجر شد. [Li et al., 2020].

در پژوهش دیگری نیز که به نقش سازوکارهای مشارکتی در کاهش فاصله میان شهروندان و برنامه‌ریزان می‌پردازد، اهمیت مشارکت شهروندی در بهبود کیفیت زندگی شهری مورد تأیید قرار گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که مکانیزم‌های مشارکتی قادر به پر کردن شکافها میان سیاست‌گذاران و شهروندان است و به این ترتیب کیفیت کلی زندگی شهری و رضایت عمومی را افزایش می‌دهد [Mouratidis & Poortinga, 2020].

در نهایت، می‌توان گفت که رویکرد حق به شهر به‌عنوان یک مفهوم نوین و کارآمد در برنامه‌ریزی شهری، بر سه محور اساسی یعنی مشارکت شهروندی، سرزندگی فضا، و کنترل بر فضای شهری تأکید می‌کند و می‌تواند بستری برای خلق شهرهایی عادلانه‌تر، پایدارتر و قابل‌زیست‌تر باشد. رویکردی که به‌وضوح نیازمند توجه بیشتر و پیگیری اصولی در برنامه‌ریزی شهری کشورهایی نظیر ایران است تا بتواند به خواسته‌ها و نیازهای واقعی شهروندان پاسخ دهد و فضای شهری را از چنگال سرمایه‌داران خصوصی و دولتی رها سازد و به دست شهروندان بسپارد.

در این پژوهش، یکی دیگر از اصول حق به شهر، سرزندگی فضای شهری است. سرزندگی شهری مفهومی است که به معنای ایجاد فضایی پرانرژی و پویا برای شهروندان به کار می‌رود، فضایی که بستر مناسبی برای تأمین امنیت، ارتباطات، و فرصت‌های تفریحی فراهم می‌آورد. این فضاها، که به واسطه‌ی طراحی مناسب و زیرساخت‌های بهینه ایجاد می‌شوند، تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی شهروندان دارند. اهمیت این شاخص در ایجاد فرصت‌های متنوع و تجربه‌های جدید برای همه اقشار جامعه است؛ بدین معنا که فضاهای سرزنده شهری باید توانایی جذب افراد با پیشینه‌ها و علایق متفاوت را برای فعالیت‌های مختلف داشته باشند و این امکان را به وجود آورند که افراد در هر ساعتی از شبانه‌روز از آنها استفاده کنند. [Liu et al., 2020].

سرزندگی شهری، به عنوان یکی از عناصر مهم حق به شهر، نه تنها افراد را به حضور در فضاهای عمومی شهری ترغیب می‌کند، بلکه موجب شکل‌گیری تعاملات اجتماعی بیشتر و احساس تعلق به فضا نیز می‌شود. مناطقی از شهر که از سرزندگی بیشتری برخوردارند، تمایل دارند به عنوان مکان‌هایی محبوب برای گذراندن اوقات فراغت، قدم زدن و معاشرت در نظر گرفته شوند. این مناطق با جذابیت خود، افراد را به طور خودجوش به خود جذب می‌کنند و فضایی فراهم می‌کنند که مردم در آنجا احساس راحتی و تعلق می‌کنند. این امر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز بسیار حائز اهمیت است، زیرا فضاهای زنده و پویا منجر به ایجاد اقتصاد محلی قوی و افزایش تعاملات بین ساکنان می‌شوند.

پویایی شهری، همان‌طور که برخی چارچوب‌ها به تحلیل جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن پرداخته‌اند، اهمیت ویژه‌ای در زندگی شهری دارد. به عنوان مثال، پژوهشی که به بررسی سرزندگی شهری از طریق داده‌های چندمنبعی پرداخته، به این نتیجه رسیده است که فضاهای شهری پویا با فعالیت‌ها و تعاملات انسانی و تنوع کارکردها شناخته می‌شوند. این یافته‌ها همسو با نتایج این پژوهش است و تأکید دارد که سرزندگی و پویایی شهری بدون مشارکت قوی و مؤثر شهروندان امکان‌پذیر نیست؛ به عبارت دیگر، سرزندگی واقعی فضای شهری به حضور شهروندان و نقش فعال آنان وابسته است.

علاوه بر سرزندگی، مساله کنترل و مالکیت بر فضاهای شهری نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. وضعیت نامطلوب کنترل و مالکیت در فضای شهری، بازتاب‌دهنده روندهای گسترده‌تری در شهرسازی است. در بسیاری از موارد، شهروندان به دلیل عدم دسترسی به ابزارها و اختیارات لازم برای مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، احساس تعلق و مسئولیت نسبت به فضاهای شهری ندارند. تحقیقات نشان می‌دهند که بدون ایجاد امکان کنترل و مشارکت کافی بر منابع و فضاهای شهری، مشارکت مؤثر شهروندان کاهش یافته و به دنبال آن سرزندگی فضا نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به همین دلیل، سیاست‌گذاری‌ها باید به سمت تقویت حق به مالکیت، مشارکت و کنترل شهروندان بر شهر باشد تا انگیزه‌ها برای مشارکت افزایش یابد و بدین‌وسیله بر پویایی فضای شهری نیز افزوده شود [De Koe et al., 2013].

اختصاص‌دهی شهر به خود، یعنی اینکه شهروندان بتوانند شهر را به مثابه فضایی که متعلق به آن‌هاست تلقی کنند، مستلزم ایجاد بستری است که به تحقق حق به شهر کمک کند. در یزد، بررسی الگوی زندگی و ارائه خدمات و امکانات نشان می‌دهد که شهروندان به میزان کافی به اهداف اولیه طرح‌های شهری دست نیافته‌اند و همچنان با مشکلاتی مانند ضعف زیرساخت‌ها و کمبود امکانات مواجه هستند. این کمبودها سبب شده که شهر به مثابه فضایی که بتواند نیازهای اساسی شهروندان را برآورده سازد، جلوه نکند و دسترسی به فضاهای شهری و امکانات عمومی محدود باشد.

در این راستا، مدیریت شهری، مقامات محلی، شورای اسلامی شهر و شهرداری به عنوان نهادهای محوری، نقش بسزایی در ارتقاء و تحقق حق به شهر دارند. برای رسیدن به شهری که حق شهروندی در آن به رسمیت شناخته شود، لازم است که آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و مسئولیت‌های شهری خود ارتقاء یابد. این آگاهی، اساس برنامه‌ریزی‌های آتی در زمینه توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، چرا که از طریق آگاهی شهروندان است که می‌توان به برنامه‌ریزی‌های موفق و کارآمد در سطح شهری دست یافت.

در نهایت، نتایج این پژوهش با یافته‌های سایر مطالعات در حوزه حق به شهر همخوانی دارد [Javaheripour, 2015], [Gholipour et al., 2017: 10], [Marsousi et al., 2023], [Sultan Maleki et al., 2024] و بر ضرورت توجه به برخی سیاست‌ها و راهکارها در جهت تقویت این حق تأکید دارد:

۱. ارتقاء شفافیت، عدالت و بهره‌وری در تمام سطوح مدیریت شهری.
  ۲. به رسمیت شناختن تنوع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر. این تنوع‌ها بخش مهمی از هویت شهری را تشکیل می‌دهند و با توجه به آنها می‌توان فضایی فراهم کرد که پذیرای همه اقسام جامعه باشد و حق همه در استفاده از امکانات شهری محترم شمرده شود.
  ۳. تشویق به گفتگو و توانمندسازی شهروندان از طریق روش‌های مشارکتی. با استفاده از این روش‌ها، شهروندان فرصت پیدا می‌کنند که نیازها و مطالبات خود را به گوش مدیران برسانند و توزیع عادلانه منابع در سطح شهر صورت گیرد، که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی شهری کمک می‌کند.
- این سیاست‌ها نه تنها به بهبود سرزندگی فضای شهری و افزایش کیفیت زندگی کمک می‌کنند، بلکه احساس مالکیت، مسئولیت‌پذیری و تعلق به شهر را در میان شهروندان تقویت می‌کنند و شهری متعادل‌تر، فراگیرتر و پایدارتر را ایجاد می‌نمایند.

## نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های حق به شهر (کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی)، در یزد در وضعیت نامطلوب قرار دارد، لذا امکان استفاده برابر از ظرفیت‌های شهر برای همه ساکنان باید مورد توجه خاص قرار گیرد. برای رسیدن به این اصل شهروندان باید اصول کنترل و مالکیت، سرزندگی شهری و مشارکت شهروندی را مطالبه کنند، مدیریت شهری نیز با تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی و ایجاد ساز و کارهای نظارت و مشارکت شهروندان در روند تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند به این مهم کمک نماید.